

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قَالَ مَرْوَزِي شَيْخِ خِرَاسَانِيَانِ

(ترجمه)

پرسش:

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته!

در کتاب شخصیه اسلامی جلد اول، زیر عنوان "هبوط فقه اسلامی" صفحه ۳۹۲ چنین آمده است: «مانند قفال که به بسته شدن دروازه اجتهاد قول کرده اند.» اما من در مورد این عالم تحقیق کردم، جز دو تن کسی دیگر را بدین نام پیدا نمودم و هم چنان در سیرت و زندگی نامه آن دو تن این را نیافتم که به طرف بسته کردن دروازه اجتهاد فراخوانده باشند و آن دو قفال شاشی و قفال مروزی اند و هر دو پیرو فقه شافعی هستند. پس هدف از عالم که در کتاب شخصیه بدان اشاره شده، کیست؟ الله سبحانه شما را پاداش خیر دهد.

پاسخ:

وعليكم السلام و رحمة الله و بركاته!

بدون شک پرسش شما به آنچه که در کتاب "الشخصية الإسلامية" جزء اول زیر عنوان "هبوط الفقه الإسلامي" وارد شده ارتباط می‌گیرد و آن قرار ذیل است: «... بلکه آن‌ها به بسته نمودن دروازه اجتهاد باورمند شدند و به نادرست بودن اجتهاد فتوی دادند و حرف بجایی رسید و اکثر علمایی که اهلیت اجتهاد را داشتند و شروط اجتهاد در آن‌ها تکمیل بود، به اجتهاد کردن جرئت نمی‌کردند؛ با وجود آن‌که مجتهد بودند. این انحطاط از اوایل قرن چهارم هجری آغاز گردید؛ مگر چون آغاز و ابتدای انحطاط در بخش فقه و اجتهاد بود، حالت و وضعیت الی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری تا حدی مناسب و قناعت بخش بود. با آن‌هم مجتهدین و علمایی بودند؛ مانند: قفال، که به بسته نمودن دروازه اجتهاد فتوی می‌دادند.»

در رابطه به قفال باید گفت که در بعضی مصادر سه تن با لقب قفال ذکر گردیده؛ نه دو تن که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم:

در سیر اعلام النبلاء جلد ۱۶ صفحه ۲۸۳ چنین آمده است: «قفال الشاشی؛ پیشوای دانشمند، فقیه، اصولی، لغوی، عالم و دانشمند اهل خراسان؛ ابوبکر محمد بن علی بن اسماعیل بن شاشی، از پیروان مذهب شافعی قفال بزرگ، امام و

پیشوای وقتش در ماورالنهر و صاحب تصانیف و تألیفات فراوان است. حاکم در مورد او گفته است: او از داناترین‌های ماورالنهر در علم اصول بود و بیشترین سفرها را در طلب و جستجوی حدیث شریف داشت. ابواسحاق در "طبقات" گفته است: او در سال سی و ششم فوت کرده است. این یک توهم واضح است؛ زیرا حاکم وفات او را در سال ۳۶۵هـ.ق ذکر نموده است. هم‌چنان ابوسعید سمعانی تاریخ وفاتش را در همین سال ۳۶۵هـ.ق به ثبت رسانده و تاریخ تولدش را هم در سال ۲۹۱هـ.ق تسجیل نموده است. سمعانی در باره قفال گفته است: او تصنیفات زیادی دارد که مثلش را کسی ندارد و او اولین کسی از فقهاء است که جدل حسن را تصنیف کرد. او کتابی در اصول فقه دارد و "شرح الرساله" هم از اوست. هم‌چنان توسط او فقه شافعی در ماورالنهر انتشار یافت. سمعانی می‌گوید: ابوبکر قفال کتاب "دلائل النبوة" و کتاب "محاسن الشریعة" را هم تصنیف کرده است.»

در الطبقات الشافعیه پیرامون او چنین آمده است: «محمد پسر اسماعیل ابوبکر شاشی قفال بزرگ، یکی از مشاهیر مذهب شافعی و ائمه مسلمانان بود که در سال ۲۹۱هـ.ق دیده به جهان گشود. شیخ ابواسحاق گفته: او یک امام بود و تصنیفات زیادی دارد که مثلش را کسی ندارد و او اولین کسی از فقهاء است که جدل حسن را تصنیف کرد و او کتاب خوبی در اصول فقه دارد که "شرح الرساله" هم از او است و توسط او فقه شافعی در ماورالنهر انتشار یافت. حاکم در مورد او چنین گفته است: از داناترین‌های ماوراءالنهر در زمان خودش در علم اصول و بیشترین گردش‌کنندگان در جستجوی احادیث به شمار می‌رود. حلیمی گفته است: شیخ ما(قفال) داناترین کسی بود که من از علمای عصرش دیده‌بودم. نووی در تهذیب خود گفته: هرگاه از قفال شاشی یاد شد، منظور همین کسی است که در موردش گفتیم و هرگاه قفال مروزی یاد شد، مقصد همان قفال خورد می‌باشد. از جمله تصنیفات شاشی؛ دلائل النبوة، محاسن الشریعة، ادب القضاء، جزء کبیر و تفسیر کبیر می‌باشد و در سال ۳۶۵هـ.ق وفات یافت.»

در سیر اعلام النبلاء جلد ۱۷ صفحه ۴۰۵ این‌گونه آمده است: «قفال، پیشوا و دانشمند بزرگ، از بزرگان مذهب شافعی، ابوبکر عبدالله پسر احمد پسر عبدالله مروزی خراسانی کسی بود که در صنعت قفل‌سازی به منت‌های مهارت رسیده بود، چنانچه او قفلی را با تمام وسایل و کلیدش به وزن چهار دانه درست کرد و چون به سن ۳۰ سالگی رسید، در وجود خود ذکاوت فوق العاده را احساس کرد و فقه را ترجیح داد و به خواندن آن پرداخت و در آن خوب ماهر شد تا این‌که نمونه شد که به او مثل می‌زدند و او صاحب طریقه خراسانیان در فقه است. فقیه ناصرالعمری پیرامونش گفته است: در زمان ابوبکر قفال، کسی فقیه‌تر از او نبود و در آینده هم مثلش پیدا نخواهد شد و ما در موردش می‌گفتیم که او فرشته‌ای است در شکل انسان. ابوبکر سمعانی در امالی خود گفته است: قفال در فقه، حفظ، ورع و زهد شخص بی‌نظیر زمانش بود و از او آثاری در مذهب شافعی بجا مانده که از هم‌عصرانش نمانده است و شیوه برگزیده او در معالجه احکام فقهی از ناب‌ترین، محقق‌ترین و قوی‌ترین شیوه‌ها در مذهب شافعی است که یارانش از او نقل نموده و فرا گرفته اند. فقهاء از شهرهای مختلف به سوی او بار سفر می‌بستند و از نزد او به صفت پیشوایان فارغ‌التحصیل می‌شدند. او در سال ۴۱۷هـ.ق در

جمادی الآخر در سن ۹۰ سالگی فوت نموده و روایت‌هایش کم است؛ زیرا او در کهن سالی و چیزی قبل از آن شنیده‌بود.»

در الطبقات الشافعیه از او این‌گونه یاد شده‌است: «عبدالله بن احمد بن عبدالله مروزی امام بزرگ، ابوبکر قفالی خورد شیخ روش و شیوه اهل خراسان، وی به لقب قفال از این جهت یاد می‌شود که او در ابتدای زندگی اش قفل می‌ساخت و درین صنعت خوب مهارت داشت تا آنجا که یک قفل را با کلیدش به وزن چهاردانه ساخت، چون به عمر ۳۰ سالگی رسید در خود ذکاوتی را احساس کرد و بسوی فقه روی آورده و در نزد شیخ ابوزید و کسانی غیر از او اشتغال ورزید، در علم فقه به درجه امامت رسید که به او در فقه اقتداء می‌شد؛ مردم زیادی از اهل خراسان از او فقه و حدیث را فرا گرفتند و آن را انتقال و بیان نمودند. ابوبکر سمعانی در امالی پیرامون‌اش گفته است: ابوبکر قفال در فقه، تقوی و زهد یکه‌تاز زمانش بود و او در مذهب شافعی آثاری دارد که دیگران از اهل زمانش ندارند. شیوه و روش برگزیده او در معالجه احکام فقهی از ناب‌ترین، محقق‌ترین و قوی‌ترین شیوه‌ها در مذهب شافعی است که یارانش از او نقل نموده و فرا گرفته اند. او در سال ۴۱۷ هـ.ق به عمر ۹۰ سالگی در جمادی الآخر در مرو وفات نمود. از تصانیف او "شرح تلخیص" در دو جلد، "شرح الفروع" در یک جلد و کتاب "فتاوی" در یک جلد ضخیم و بسیار سودمند است.»

در کتاب الاعلام از زرکلی چنین آمده است: «محمد پسر احمد پسر حسین پسر عمر، ابوبکر شاشی قفال فارقی ملقب به فخر الاسلام، مستظهري، امام و قائد شافعیان در عراق و در زمان خودش است. وی در منطقه بنام "میفارقین" تولد شده است. هم‌چنان وی به بغداد رفته و در مدرسه نظامیه بغداد در سال ۴۰۵ هـ.ق مسئولیت تدریس را به عهده گرفت و تا هنگام وفات به این وظیفه ادامه داد. از تألیفات وی کتابی است بنام "حلیة‌العلما فی معرفة مذاهب الفقهاء" این کتاب بنام مستظهري شهرت یافت؛ چون این کتاب را برای امام مستظهر بالله تصنیف کرده بود و کتابی دیگرش بنام "المعتمد" که در حقیقت شرح و تفصیل کتاب قبلی است؛ هم‌چنان "الشافی" شرح مختصر المزنی و "الفتاوی" مشهور به فتاوی شاشی و "العمده" فی فروع الشافعیه از جمله تصنیفات وی می‌باشد.»

هم‌چنان پیرامونش در الطبقات شافعیه چنین آمده‌است: «محمد پسر احمد پسر حسین پسر عمر، فخر الاسلام ابوبکر شاشی، در منطقه "میفارقین" در محرم سال ۴۲۹ هـ.ق تولد شده و فقه را از قاضی آن منطقه ابو منصور طوسی شاگرد شیخ ابومحمد و علی کازرونی صاحب "ابانه" فرا گرفت و چون طوسی از منصب قضا عزل شد، از آنجا برگشت و به بغداد رفت و در نزد شیخ ابواسحاق شیرازی مشغول فراگیری علم شد و او را ملازمت کرد تا آن‌که او را شناخت و تکرار کننده درسش بود و "الشامل" را نزد علی ابن صباغ خواند. وی یک شخص هیبت‌ناک با وقار، فروتن و پرهیزگار بود و در اوایل عمرش بخاطر پرهیزگاری زیادش او را جنید می‌گفتند. هم‌چنان ریاست مذهب بعد از شیخ‌اش به او منتهی شد و مدت یک‌ونیم سال در مدرسه نظامیه بغداد تدریس کرد. ذهبی گفته: او اشعری و صوفی بود و در شوال سال ۵۰۷ هـ.ق

وفات نمود و با شیخ اش در یک قبر و یا در کنار قبرش دفن شد. کتابی دارد بنام "الحلیه" در دو جلد و در آن اختلافات زیادی را از علماء ذکر کرده و آنرا برای خلیفه مستظهر بالله نوشته کرده بود و به همین مناسبت او را مستظهري می‌گویند، کتاب "الترغیب فی العلم" در یک جلد که متضمن فروع با ذکر دلایل آن است و کتاب العمده که مختصر است.»

یعنی آنها سه تن از فقهای مذهب شافعی اند که قفال لقب داده شدند:

1. قفال شاشی کبیر که بین سال‌های (۲۹۱-۳۶۵ هـ.ق) می‌زیست و قدیم‌ترین شان است. او محمد پسر علی شاشی قفال بود. شاشی بخاطر نسبت اش به شهر (الشاش) است که از شهرهای ماورالنهر می‌باشد.

2. قفال مروزی که بین سال‌های (۳۲۷-۴۱۷ هـ) می‌زیست؛ وی عبدالله پسر احمد پسر عبدالله، ابوبکر، مشهور به قفال مروزی "با فتح میم و واو" نسبت به مرو شاه‌جهان و به قفال ملقب گردید؛ چون حرفه اش قفل‌سازی بود؛ گاهی او را قفال صغیر می‌نامند تا از قفال شاشی بزرگ متوفی ۳۶۵ هـ.ق تفکیک شود. وی (قفال مروزی) فقیه شافعی مذهب و شیخ خراسانیان بود و در ابتدای کارش قفل می‌ساخت و چون به ۳۰ سالگی رسید، مشغول تحصیل و تعلیم شد؛ دانش آموزان از شهرها نزد او آمده و از نزدش بدرجه امامت فارغ می‌شدند. وی در منطقه سجستان وفات نمود و از تصنیفاتش در فقه "شرح فروع ابن الحداد" است.

3. قفال مستظهري که بین سال‌های (۴۲۹-۵۰۷ هـ) زندگی می‌نمود. او محمد پسر احمد پسر حسین پسر عمر، ابوبکر، فخرالاسلام شاشی، قفال فارقی، مشهور به مستظهر بالله می‌باشد. وی در شهر "میا فارقین" مشهورترین شهر دیار بکر تولد شد و فقیه شافعی مذهب بود؛ ابواسحق شیرازی را ملازمت کرد و از تصانیفش "حلیة العلماء فی مذاهب الفقهاء" است که آنرا برای خلیفه مستظهر بالله تصنیف کرده بود؛ به همین نسبت به او مستظهري لقب داده شد. این قفال سوم را هیچ یک از مصادر با لقب قفال ذکر نکرده، جز زرکلی در اعلام.

اما شخصی که بسته نمودن دروازه اجتهاد به او نسبت داده شده، قفال مروزی شیخ خراسانیان می‌باشد و از جمله دلایل بر این مدعی، اینست: در حاشیه عطار جلد ۲ صفحه ۴۲۳ که بالای "شرح جلال محلی" و آن بالای "جمع الجوامع" از عبدالوهاب پسر علی تاج الدین سبکی متوفی ۷۷۱ هـ.ق نوشته شده، چنین آمده است: «مصنف ادعا نموده که پدرم بدرجه مجتهد مطلق رسیده است و در ترشیح التوشیح گفته است: اگر بگویی آنچه را که شما از رسیدن شیخ امام بدرجه اجتهاد مطلق ادعا کردید، بقول غزالی در "وسیط" مردود است؛ چون که آن زمانه از مجتهد مطلق و مستقل خالی بود و این تنها سخن او نیست؛ بلکه این سخن را قفال شیخ خراسانیان نیز قبل از او گفته بود. این سخن را رافعی و نووی از وسیط نقل نموده و بر آن سکوت کرده اند. من می‌گویم: درین سخن نظر انداخته فکر کردم و این برایم آشکار شد که وی و

کسانی که قبل از او این سخن را گفته اند، مقصدشان خالی بودن عصر از مجتهدی که امور قضاء را بدوش داشته باشد، است.»

امام زرکشی متوفی ۷۹۴هـ.ق در "البحر" گفته: «و اما نسبت به این قول امام غزالی که گفته است بدون شک که زمانه از مجتهد مستقل خالی بود و به این قول قبل از او قفال شیخ خراسانیان نظر داده بود، درین مورد گفته شده که مقصد از قول غزالی و قفال مجتهدی است که متولی منصب قضاء باشد؛ زیرا محققین علماء از منصب قضاء دوری می‌کردند و منصب قضاء را در زمان آن‌ها غالباً کسانی به عهده می‌گرفتند که پایین‌تر از مجتهد می‌بودند و چگونه ممکن است که به خالی بودن آن زمان و عصر از مجتهد حکم کرده‌شود، در حالی که خود قفال به پرسش‌کننده در مسئله "کوت غله" می‌گفت: از مذهب شافعی می‌پرسی یا از آنچه در نزد من است؟ قفال مروزی، شیخ ابو علی و قاضی حسین گفته اند: ما مقلدین امام شافعی نیستیم؛ بلکه رأی و نظر ما با رأی و نظر او موافقت کرده است.»

از آنچه گفته شد، واضح می‌گردد که در بین دانشمندان کسانی وجود دارند که به قفال مروزی شیخ خراسانیان که بین سال‌های (۳۲۷-۴۱۷هـ) می‌زیست، بسته نمودن دروازه اجتهاد را نسبت داده اند و یا حد اقل این را که زمانه و عصر از مجتهد مستقل و مطلق که پیرو مجتهد قبلی نباشد، خالی بود؛ گرچه این سخن برای منع اجتهاد صریح نیست.

اما سخن قابل توجه این است که قفال خراسانی بسته نمودن دروازه اجتهاد به او نسبت داده شده، حرفه‌اش قفل سازی بود و در آن خوب مهارت داشت و شاید این یک تصادف عجیب بوده باشد که حرفه‌اش با آنچه به او از بسته نمودن باب اجتهاد نسبت داده می‌شود، هم‌خوانی و مطابقت نموده باشد. من نمی‌دانم که بسته نمودن باب اجتهاد و قول بر آن از جهت صنعت قفل سازی اوست و یا فقط یک تصادف و هم‌خوانی می‌باشد. این را از این جهت می‌گویم که چنانچه در البحر از زرکشی آمده و در فوق هم بیان شد که او خودش با وجود این که شافعی بود، اجتهاد می‌کرد و در همین کتاب چنین آمده است: «و قفال خودش در مسئله کوت غله به پرسش‌کننده می‌گفت: از مذهب شافعی می‌پرسی یا از آنچه در نزد من است؟ او و شیخ ابوعلی و قاضی حسین گفته اند: ما مقلدین شافعی نیستیم؛ بلکه رأی ما با رأی او موافقت کرده است.»

به هر حال، امیدوارم همین قدر برای جواب سوال تان کافی باشد.

برادر تان عطاء ابن خلیل ابوالرشته

۲۶ شعبان ۱۴۳۹هـ.ق

۱۲ می ۲۰۱۸م